

ارتباط بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نقش رتبه حاکمیت شرکتی بر این رابطه

حمید رضا رضوی ایردموسی^۱

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

حمید رضا رضوی ایردموسی

Razavi123@gmail.com

چکیده

هدف این تحقیق بررسی نقش رتبه حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو مکانی این تحقیق سازمان بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی این تحقیق سال های بین ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ است. متغیر مستقل این تحقیق سیستم حسابداری مدیریت، متغیر تعدیل گر این تحقیق رتبه حاکمیت شرکتی و متغیر وابسته این تحقیق عملکرد مالی است. برای اندازه گیری سیستم حسابداری مدیریت از تحقیق وانگ و لین (۲۰۱۴) استفاده شد. این تحقیق بر اساس هدف از نوع کاربردی و از نظر اجزاء، از نوع تحلیلی - توصیفی و مبتنی بر استراتژی همبستگی است که با استفاده از نمونه منطقی، سعی در تعمیم نتایج و یافته ها به کل جامعه آماری دارد، کاربردی است. در این تحقیق از آزمون F لیمر برای انتخاب بین مدل های اثرات مشترک و اثرات ثابت، برای تبیین قدرت توضیح دهنده متغیرهای توضیحی از ضریب تعیین تعدیل شده، برای بررسی معنی داری متغیرها از آماره t و برای بررسی کفایت کلی مدل از آماره F فیشر استفاده شد. همچنین تحلیل های آماری با استفاده از نرم افزار ایویوز ۷ انجام گردید. نتایج تحقیق نشان داد بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، رتبه حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

واژگان کلیدی: رتبه حاکمیت شرکتی، سیستم حسابداری مدیریت، عملکرد مالی.

مقدمه

سال های اخیر، علاوه بر استفاده از معیار های قدیمی رتبه بندی شرکت ها، شامل اندازه شرکت، شهرت، قابلیت بازپرداخت بدهی و نرخ رشد، از یک معیار جدید تحت عنوان، کیفیت ساز و کار های حاکمیتی نیز بهره گرفته می شود. که آن رتبه بندی بر اساس حاکمیت شرکتی می باشد. بخش بزرگی از سرمایه گذاران، شامل سرمایه گذاران نهادی که نقش با اهمیتی را در بازار سرمایه بازی می کنند، از این رتبه بندی برای اخذ تصمیمات اقتصادی بهره می گیرند و قرار گرفتن شرکت ها در رتبه های پایین، هشدار است برای مدیریت شرکت های مذکور، که توجه بیشتری به مسائل حاکمیت شرکتی داشته باشد (حساس یگانه و داداشی، ۱۳۸۹).

مشکلات نمایندگی مربوط به ساختار راهبری شرکتی که از تفکیک بین مالکیت و مدیریت ناشی می شود، به وفور در تحقیقات مربوط به مدیریت مورد بحث قرار گرفته شده است. بخش اعظم تحقیق قبلی به ساختار راهبری شرکتی بعنوان مکانیزم های کنترلی به منظور تقلیل مشکلات نمایندگی اشاره می شود که با عنوان نسبت مدیران و ناظران خارجی در هیئت مدیران و دوگانگی مدیر عامل اجرایی تعبیر می گردد (معافی و همکاران، ۱۳۹۱). ساختار مناسب راهبری شرکتی به شرکت ها کمک می کند تا تضاد منافع بین مدیران و مالکان را کاهش دهند که این کار به کاهش در هزینه های نمایندگی می انجامد. بنابراین، این مسئله موجب ایجاد مزیت های رقابتی شرکت ها شده که توسعه اقتصادی پایدار و بهبود عملکرد شرکت را بدنبال خواهد داشت (حسن و همکاران، ۲۰۱۲).

تعدادی از بررسی ها، ارتباط تصادفی بین ساختار راهبری شرکتی، قبول سیستم های حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت را نشان داده اند. علاوه بر این، پیشنهادات بالا براساس تحقیق «بارون و کنی» (۱۹۸۶) به ما امکان این استدلال را می دهند که ساختار راهبری شرکتی ممکن است ارتباط تصادفی بین تأثیر قبول سیستم های مدیریت حسابداری در تجارت بر عملکرد شرکت را تعدیل می کند. این پیشنهادات بالا نیز این انتظار را ایجاد می کنند که قبول سیستم های حسابداری مدیریت ممکن است ارتباط تصادفی بین قبول سیستم های حسابداری مدیریت با عملکرد شرکت را تعدیل کند. با این وجود، نقش های واسطه ای و تعدیلی ساختار راهبری شرکتی در ارتباط بین قبول سیستم های حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت از نظر آماری مورد بررسی قرار گرفته نشده اند (کیت و همکاران، ۲۰۱۲). در این مقاله، در مورد نقش های واسطه ای و تعدیلی بحث می کنیم و سپس نحوه و چگونگی اینکه ساختار راهبری شرکتی از نظر آماری، تأثیر قبول سیستم های حسابداری مدیریت بر روی عملکرد شرکت را مورد بررسی قرار خواهیم دارد (ریموند و همکاران، ۲۰۱۴).

ما براساس رویکردهای بالا، قبول سیستم های حسابداری مدیریت را برای این مطالعه به اندازه ای تعریف می کنیم که یک شرکت این سیستم ها را که متشکل از تکنیک های سنتی مدیریت تجارت گفته شده در بالا و هم تکنیک های پیشرفته بوده، انتخاب و اجرا می کند. با در نظر گرفتن عملکرد شرکت، این متغیر از لحاظ پیامدهای کلی شرکت طی بازه زمانی خاص ارزیابی می شود. ارزیابی عملکرد شرکت اغلب براساس عملکرد مالی و غیرمالی صورت می گیرد. عملکرد مالی با استفاده از شاخص های سنتی نظیر برگشت دارایی و برگشت حقوق صاحبان سهام اندازه گیری می شوند، در حالیکه عملکرد غیرمالی بر مبنای شاخص های ابتکار، کیفیت و رضایت مشتری سنجیده می گردند. علاوه بر این، این شاخص های عملکرد مالی و غیرمالی نیز در تحقیق «وانگ و هونی» (۲۰۱۳) و «هونی و لین» (۲۰۱۳) بکار گرفته شده اند و در این تحقیق، ما از عملکرد مالی استفاده می کنیم.

مقاله حاضر به تعیین ارتباط بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نقش رتبه حاکمیت شرکتی بر این رابطه پرداخته است. بنابراین ابتدا به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش موضوع پرداخته و فرضیه های پژوهش و روش پژوهش را بیان می کنیم سپس به یافته های پژوهش اعم از توصیفی و آزمون فرضیه ها پرداخته و سرانجام، مقاله با نتیجه گیری و بحث خاتمه می یابد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

سیستم حسابداری مدیریت

پیشرفت سریع فناوری طی چنددهه گذشته، مدیران سازمان ها را به فکر ایجاد سیستمی مناسب جهت برنامه ریزی و کنترل بهتر و اثربخش تر عملیات سازمان انداخته است. سیستمی که اطلاعات مالی و غیرمالی متنوعی را در اختیار استفاده کنندگان، به ویژه «مدیران هر سازمان» قرار دهد. نیاز روزافزون به اطلاعات صحیح و بهنگام برای به کارگیری در فرآیند تصمیم گیری مدیران، به مقوله ای اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. سیستم حسابداری مدیریت به عنوان مهم ترین زیرمجموعه سیستم اطلاعاتی مدیریت، منبع اصلی ارائه اطلاعات به شمار

می آید. از این رو، در این مقاله ابتدا به تعریف حسابداری مدیریت و مباحث اصلی موجود در آن پرداخته، سپس به تفاوت های حسابداری مدیریت و مالی و در نهایت به بیان ضرورت های استقرار حسابداری مدیریت در سازمان می پردازیم (ناظمی، ۱۳۹۲).

حسابداری مدیریت در مقایسه با حسابداری مالی، رشته علمی جدیدی محسوب می شود. در نتیجه، به موازات پیدایش راه های جدید تهیه اطلاعات برای کمک به مدیران، مفاهیم و ابزارهای حسابداری مدیریت نیز به تدریج تکامل می یابد. علاوه بر این، محیط سازمان ها به سرعت در حال تغییر هستند و حسابداری مدیریت نیز باید در تهیه اطلاعات به ترتیبی عمل کند که این تغییرات را منعکس سازد. به این ترتیب می توان اطمینان داشت که حسابداری مدیریت در آینده نیز همانند چنددهه قبل، ابزاری مناسب برای کمک به مدیران محسوب شود (وانگ، ۲۰۱۰). حسابداری مدیریت، شامل طراحی و استفاده از حسابداری، در داخل سازمان است. در واقع حسابداری مدیریت را می توان فرآیند شناسایی، اندازه گیری، گردآوری، سنجش، تحلیل، تفسیر و ارائه آن گروه از اطلاعات مالی و سایر اطلاعات کمی و عملکردی تعریف کرد که توسط مدیریت به منظور برنامه ریزی، کنترل، ارزیابی عملیات و استفاده بهینه از منابع در داخل یک سازمان، یعنی حصول اطمینان از بهره برداری مناسب از منابع و در جهت پاسخگویی مناسب در قبال این بهره برداری، مورد استفاده قرار می گیرد. در حسابداری مدیریت، با تاکید بر استفاده کنندگان درون سازمانی، اطلاعاتی اندازه گیری و گزارش می شود که مدیران سطوح مختلف یک سازمان را در اجرای اهداف تدوین شده برای آن سازمان مورد نظر، یاری دهد (سام و همکاران، ۲۰۱۲).

حسابداری مدیریت در جهت مقاصد داخلی سازمان ها و واحدهای انتفاعی خدمت می کند و بر خلاف حسابداری مالی که از طریق اصول و ضوابطی مشخص و از پیش تعیین شده با محدودیت مواجه است، از یک رشته قواعد ثابت و غیر قابل تغییر تشکیل نشده است. روش ها و قواعد حسابداری مدیریت برای کمک به سازمان در جهت دستیابی به هدف های مورد نظر، از طریق تصمیم گیری های مطلوب تدوین و اتخاذ می شود. به همین دلیل، روش های حسابداری مدیریت باید برای هر یک از سازمان ها متناسب با اوضاع و احوالی که دارند، طراحی و به کار گرفته شود. در واقع حسابداری مدیریت باید خود را با ویژگی ها و نیازمندی های سازمان مربوط تطبیق دهد. علاوه بر این، برخی از مفاهیمی که در حسابداری مدیریت به کارگرفته می شود، ممکن است در حسابداری مالی کاربردی نداشته باشد. مثلا، در حسابداری مدیریت یکی از هزینه های موثر در تصمیم گیری ها، هزینه فرصت است که باید به گونه ای منطقی اندازه گیری و در تصمیم گیری های مربوط لحاظ شود. در حالی که در حسابداری مالی لحاظ کردن این هزینه جایگاهی ندارد. در مجموع حسابداران مدیریت این آزادی عمل را دارند که هر نوع اطلاعاتی را که مدیریت سودمند بداند، برای آنان فراهم کنند (وانگ و هوپان، ۲۰۱۳).

جوهره مدیریت، تصمیم گیری است و تصمیم گیری ذاتا با رویدادهای آتی سروکار دارد. به همین دلیل، حسابداری مدیریت برخلاف حسابداری مالی که اساسا بر اطلاعات گذشته تمرکز دارد، عمدتا فراهم کننده اطلاعاتی با ماهیت جاری و آتی است. علاوه بر این، اطلاعات حسابداری مدیریت برای آنکه بتواند مدیران سطوح مختلف سازمان را در تصمیم گیری ها و ارزیابی ها کمک کند، ناگزیر باید به شکل تفصیلی و در اسرع وقت در دسترس قرار گیرد. نهایت اینکه اطلاعات حسابداری مدیریت هنگامی سودمند واقع می شود که مربوط، صحیح، قابل اعتماد و در صورت برآوردی بودن، بر رویه های صحیح برآورد مبتنی باشد. سیستم حسابداری مدیریت، می تواند در موارد زیر به مدیران کمک کند:

۱ - **درک روابط محلی و معلولی:** حسابداری مدیریت می تواند درخصوص این که چه موضوعی باعث هزینه شده است یا چرا

ظرفیت خالی یا غیرقابل استفاده برای تولید وجود دارد و همچنین تعیین میزان آثار آن به مدیریت کمک کند (خدایی و همکاران، ۱۳۹۲).

۲ - **تشخیص فعالیت هایی که ارزش افزوده ایجاد نمی کنند یا کارایی ندارند:** حسابداری مدیریت با تشخیص فعالیت ها یا وظایف ناهماهنگ یا تکراری، به طراحی مجدد فرآیندهای کاری کمک می کند (خدایی و همکاران، ۱۳۹۲).

۳ - **درک ارتباط بین اجزای مختلف یک زنجیره ارزش:** اطلاعات حسابداری مدیریت می تواند تاثیر فعالیت های واسطه یا تامین کننده را بر قیمت تمام شده نهایی محصول، نشان دهد.

۴ - **تشخیص گلوگاه های فرآیند در داخل یا خارج شرکت:** حسابداری مدیریت می تواند نشان دهد چه اجزایی از فرآیند کاری (ماشین یا انسان) محدودکننده کارایی سیستم است.

۵ - **شفاف کردن مسائل و تغییر درک افراد** (خدایی و همکاران، ۱۳۹۲).

۶ - **ایجاد انگیزه در مدیران و کارکنان** از طریق اندازه گیری رفتارهای مطلوب.

۷ - **تغییر گرایش ها و رویکردها:** معیارها باعث تغییر سطوح گرایش ها و تلاش ها می شوند. مثلا، استاندارد زمانی برای اجرای یک فعالیت هدفی را مشخص می کند که انتظار می رود کارکنان با تلاش معقول به آن دست پیدا کنند. در صورت موفقیت، آنها سطح تلاش خود را بازنگری می کنند و در نتیجه، دفعات بعد عملکرد بهتری خواهند داشت.

۸ - **تغییر دیدگاه ها:** افراد تمایل دارند که موفقیت را به فعالیت خود نسبت دهند؛ اما شکست ها را به عوامل محیطی مربوط کنند. تحقیقات نشان داده که این نسبت دادن، می تواند با ملاک های حسابداری مدیریت تغییر کند و در نهایت رفتارها را نیز تغییر دهد (خدایی و همکاران، ۱۳۹۲).

به طور کلی، اگر سازمان ها، واحدهایی ایستا محسوب شوند، ممکن است بتوان روش های حسابداری مدیریت را منطبق با نیازهای آنان تدوین کرد؛ اما سازمان ها همزمان با ورود و خروج مدیران و کارکنان تغییر می کنند. علاوه بر این، اولویت ها و سیستم های ارزشی محیط نیز در حال تغییر است و ناگزیر سازمان ها باید خود را با محیط در حال تغییر مطابقت دهند. دنیویروی اصلی موثر بر سازمان های امروزی، عبارتند از: تغییرات تکنولوژی و رقابت های جهانی (وان، ۲۰۱۱). سازمان هایی که نتوانند خود را با این دو نیرو تطبیق دهند، در بلندمدت قادر به ادامه حیات نخواهند بود. سازمان هایی که در چنین محیط های پویا فعالیت می کنند برای تهیه اطلاعات مورد نیاز، ناگزیر به سیستم حسابداری مدیریت خود اتکا می کنند. چنانچه تکامل تدریجی سیستم حسابداری مدیریت از سیر تکاملی سازمان عقب بیفتد، این سیستم در واقع ترمزی برای مواجهه با محیط در حال تغییر محسوب خواهد شد. بنابراین، سازمان ها باید با تغییرات محیط سازگار شوند و حسابداری مدیریت نیز باید خود را با تغییرات سازمان هماهنگ کنند. به این ترتیب، حسابداری مدیریت در حقیقت بررسی یک فرآیند است و محدود به مجموعه ای از روش ها است. با این وجود درک مفاهیم حسابداری مدیریت نیز مستلزم شناخت سازمان و نیروهای موثر بر آن است (دونا و همکاران، ۲۰۱۱).

حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی

حاکمیت شرکتی، سیستمی است که مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران را بهبود می بخشد (گمپرس، جوی و متریک ۲۰۰۳)؛ وافیز (۱۹۹۹)؛ جنسن و مورفی، ۱۹۹۰) بر اساس بررسی های انجام شده، سقوط سهام شرکت هایی چون آدلفا، انرون، تیکو و وردکام تا حد زیادی به علت حاکمیت شرکتی ضعیف شرکت های فوق بوده است (دکین و کنزلمان، ۲۰۰۴). استقرار یک نظام حاکمیت شرکتی موثر و کارا باعث می گردد منافع مدیران و مالکان در یک راستا قرار گیرد (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). عملکرد عملیاتی شرکت بهبود یابد و شرکت ها رشد و گسترش یابند (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷). نتایج بسیاری از تحقیقات تجربی صورت گرفته در سایر کشورها نیز نشان می دهد که حاکمیت شرکتی خوب منجر به عملکرد بهتر شرکت می شود (گمپرس، جوی و متریک، ۲۰۰۳).

نتایج تحقیقات تجربی صورت پذیرفته در زمینه ارتباط اندازه های هیات مدیره و عملکرد شرکت، موید حمایت از دیدگاه اول است. وینسنت و همکاران (۲۰۱۰)، دریافته اند که بین اندازه هیات مدیره با عملکرد شرکت رابطه ی معناداری منفی وجود دارد (اکنل و کرامر، ۲۰۱۰). یرماک (۱۹۹۶)، با بررسی ۴۵۲ شرکت بزرگ آمریکایی در سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱، به یک ارتباط منفی بین اندازه هیات مدیره و ارزش شرکت دست یافتند (یرماک، ۱۹۹۶). ایسنبرگ و دیگران (۱۹۹۸)، ارتباط بین اندازه هیات مدیره و سودآوری شرکت را در شرکت های کوچک و متوسط فلانندی مورد بررسی قرار دادند و به نتایجی مشابهی دست یافتند. وافیس به این نتیجه رسید که شرکت ها با کوچک ترین هیات مدیره (حداقل پنج عضو)، آگاهی بیشتری نسبت به عایدات و سودآوری شرکت دارند و بنابراین از توانایی نظارتی بالاتری برخوردار هستند (وافیس، ۲۰۰۰).

نتایج تحقیق ماک و یوانتو (۲۰۰۳)، نشان داد ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس های سنگاپور و مالزی هنگامی که هیات مدیره از پنج عضو تشکیل شده، بالاتر است. بندسون و همکاران (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند که هیات مدیره ای کمتر از ۶ نفر عضو، تاثیر بااهمیتی بر عملکرد شرکت ندارند؛ اما هنگامی که تعداد اعضای هیات مدیره به هفت نفر یا بیشتر افزایش می یابد، ارتباط این دو گروه منفی می گردد (بندسون و همکاران، ۲۰۰۴). نتایج تحقیق وو (۲۰۰۰) نشان داد که به علت فشار سرمایه گذاران نهادی تعداد اعضای هیات مدیره ی شرکت ها بین سال های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ کاهش یافته است. از سوی دیگر، نتایج تعدادی از تحقیقات موید وجود ارتباط مثبت بین تعداد اعضای هیات مدیره و عملکرد شرکت (آدامز و مهران، ۲۰۰۵؛ دالتون و دالتون، ۲۰۰۵؛ مک و لی، ۲۰۰۱) و یا عدم ارتباط بین دو متغیر است (بن و همکاران، ۲۰۰۴).

از سوی دیگر، نتایج تحقیق کاپلان و میتون (۱۹۹۴)، نشان می دهد که انتخاب هیات مدیره ای مستقل بلافاصله پس از عملکرد ضعیف و زایندهی عملیاتی شرکت، منجر به واکنش مثبت قیمت بازار در شرکت های ژاپنی می شود. بسیاری از مطالعات انجام شده نیز مؤید وجود ارتباط مثبت بین اعضای غیرموظف هیات مدیره و عملکرد شرکت است (مهران، ۱۹۹۵؛ پینتریس، ۲۰۰۲؛ مایکل، ۱۹۹۸). ویر و لینیک (۲۰۰۱) نقش ترکیب هیات مدیره را در عملکرد شرکت بی اهمیت قلمداد کرده اند. یرماک (۱۹۸۶)، یک رابطه ی منفی با اهمیت بین اعضای غیر موظف (مستقل) هیات مدیره و کیو توبین دست یافت. آنگ و همکاران (۲۰۰۰)، مشکلات نمایندگی را در شرکت های کوچک

مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که هیات مدیره ای مستقل باعث افزایش هزینه های نمایندگی می شود. نتایج تحقیق فوسبرگ (۱۹۸۹) و بیهاجات و بلک (۲۰۰۲) نیز موید عدم رابطه بین وجود اعضای غیرموظف در ترکیب هیات مدیره و شاخص های مختلف عملکرد از قبیل کیو توبین، دوره ی بازگشت سرمایه و دوره ی بازگشت دارایی ها بوده است (فوسبرگ، ۱۹۸۹؛ باگات و بلک، ۲۰۰۲).

سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد مالی

سیستم های حسابداری مدیریت توسط «کاپلان و ناگل» (۲۰۰۴) پیشنهاد شد تا کارآمدی ساختار راهبری شرکتی را ارتقاء دهد زیرا هیئت مدیره را به اطلاعات پروری برای مدیریت تجاری و رویه ای که به ساختار راهبری شرکتی نیاز داشته، تجهیز می کند (دیوید و همکاران، ۲۰۰۳). به عبارت دیگر، پذیرش سیستم های حسابداری مدیریت در تجارت به ساختار راهبری شرکت ها شکل داده که در آن سطوح بالاتر پذیرش سیستم های حسابداری مدیریت ممکن است به ساختار بهتر راهبری شرکتی منجر شود. علاوه بر این، اطلاعات بدست آمده از سیستم های حسابداری مدیریت به هیئت های مدیران امکان می دهد پیشنهادات بهتری را به مدیر عامل اجرایی ارائه کنند، تا اینکه مدیر عامل بتواند به وظایف مدیریتی خود به نحو احسن عمل کند (نجار و همکاران، ۲۰۱۳).

بنابراین، گمان می رود که سیستم های حسابداری مدیریت راهبری شرکتی موثرتری را ایجاد می کند زیرا پذیرش سطوح بالاتر این سیستم ها به ساختار بهتر راهبری شرکتی برای پرداختن به اطلاعات مهم بدست آمده از سیستم های حسابداری مدیریت نیاز دارد. علاوه بر این، این تحقیق در مورد سیستم های حسابداری مدیریت و ساختار راهبری شرکتی توسط «سیل» (۲۰۰۶) بیان می کند که تکنیک های بدست آمده از حسابداری مدیریت بمنظور قرار گرفتن هرچه بهتر در ساختار راهبری شرکتی، قابل تعدیل بوده، از این رو ساختار راهبری شرکتی خوب توسط اطلاعات پشتیبان بدست آمده از سیستم های حسابداری مدیریت شکل می گیرد. افزون بر این، «سم» و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیق خود راجع به تصمیم مدیران در پذیرش سیستم های حسابداری مدیریت در تجارت و ویژگی های مدیر عامل، رابطه ای میان پذیرش سیستم های حسابداری مدیریت و ویژگی مدیر عامل اجرایی پیشنهاد می کنند. در نتیجه، ما می توانیم پیشنهادی را مطرح کنیم مبنی بر اینکه ابزارهای حسابداری مدیریت می توانند ساختار راهبری شرکتی را شکل و ارتقاء دهند (آندرس و همکاران، ۲۰۱۰).

«وایت و اینگراسیا» (۱۹۹۲) مدعی هستند زمانیکه سمت های رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل اجرایی در یک فرد خلاصه شود، شرکت در صورتی از هزینه نمایندگی رنج می برد که این مدیر به واسطه سرمایه سهامداران دیگر، بدنبال منافع خودش باشد. علاوه بر این، مطالعات «نیکولسون و کیل» (۲۰۰۷) و «کایمک و بکتاش» (۲۰۰۸) به هیئت مدیره پرداخته که شامل مدیران مستقل است و با مشکل نمایندگی روبرو هستند، چنانچه این هیئت ها می توانند هرگونه اقدامات منفعت طلبانه مدیران را مورد نظارت و ارزیابی قرار دهند. این امر ممکن است هزینه های نمایندگی را کاهش داده و در نتیجه عملکرد بهتر شرکت را بدنبال داشته باشد (بات و همکاران، ۲۰۱۴).

بعلاوه، مدیران مستقل بواسطه ویژگی ها، تخصص و تجربشان انتخاب می شوند؛ از این رو آنها ممکن است بطور موثر بر تصمیمات تجاری تأثیرگذار باشند که این امر در نهایت به نفع شرکت است. همچنین «بیزلی» (۱۹۹۶) و «ببنروت و دونگاو» (۲۰۰۷) مدعی است مدیران مستقل نقش نظارتی ویژه ای در شرکت دارند که هزینه های نمایندگی را کاهش داده و عملکرد شرکت را ارتقاء می دهد. یک شرکت در صورتی از عملکرد فاجعه بار رنج می برد که هیئت مدیره نتواند عملکرد نادرست مدیر عامل اجرایی را نظارت و اصلاح کند. به همین صورت، سمت های رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل اجرایی بایستی توسط افراد مختلف تصدی شود تا اینکه قدرت کنترل پراکنده شود و هزینه های نمایندگی تقلیل یابد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۳).

سیستم های حسابداری مدیریت بمنظور تسهیل تصمیم گیری توسط جمع آوری، پردازش و برقراری اطلاعات که به مدیران در برنامه ریزی، سازماندهی، مدیریت و ارزیابی فرآیندهای تجاری و همچنین استراتژی و عملکرد شرکت کمک می کند، مطرح می شوند. «میا و کلارک» (۱۹۹۹)، ارتباط مثبت بین پذیرش سیستم های حسابداری مدیریت و عملکرد تجاری را بیان می کنند. آنها مدعی هستند که هرچه استفاده از اطلاعات سیستم های حسابداری مدیریت بیشتر باشد، به مدیران در ارتقاء عملکرد تجاریشان کمک می کند. علاوه بر این، «ویلیامز و سیمن» (۲۰۰۲) شواهدی را مبنی بر نقش سیستم های حسابداری مدیریت در ارتقاء عملکرد تجاری ارائه می کنند. در تحقیق انجام شده توسط «آجیبولاد» و همکاران (۲۰۱۰) راجع به حسابداری مدیریت، ارتباط مثبت بین پذیرش سیستم های حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت مشخص می شود. بعلاوه، «وان» (۲۰۱۱) شواهدی را مبنی بر استفاده از حسابداری الکترونیک که برروی عملکرد تجاری تأثیر مثبت داشته، ارائه می کند. تعدادی از بررسی ها تأیید کرده اند که حسابداری الکترونیک برروی سیستم اطلاعات، سیستم اطلاعات حسابداری و فناوری اطلاعات برروی عملکرد شرکت تأثیرگذار است. این ابزارها به سیستم های حسابداری مدیریت شبیه بوده که در آن انتظار می رود عملکرد شرکت تقویت شود.

پیشینه پژوهش

مطابق مطالعه ها و بررسی های گسترده های که انجام شد، پژوهشی جامع با موضوع ارتباط بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نقش رتبه حاکمیت شرکتی بر این رابطه یافت نشد، ولی پژوهش هایی که تا حد زیادی مرتبط با متغیرهای پژوهش در داخل و خارج کشور انجام شده به شرح زیر می باشد:

مین وانگ و هاین (۲۰۱۴) به بررسی نقش حاکمیت شرکتی در رابطه بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت پرداختند. هدف از این پژوهش جستجو و کشف روابط تصادفی در ساختار حاکمیت شرکتی، پذیرش سیستم های حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت با توجه به مدل گراف غیر دوره ای مستقیم می باشد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که ساختار حاکمیت شرکتی نقش تعدیل گری و نظارتی در اثربخشی سیستم های حسابداری مدیریت پذیرفته شده در کسب و کار بر عملکرد شرکت ایفا می کند. این نتایج برای تصمیم گیری های مدیران کسب و کارهایی که از سیستم های حسابداری مدیریت با توجه به ساختار حاکمیت شرکتی استفاده می کنند مفید می باشد و به آنها کمک می کند تا به مزایای رقابتی با عملکرد بهتر دست یابند.

آمبا (۲۰۱۳) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت پرداخت. این پژوهش به ارزیابی تاثیر متغیرهای حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت می پردازد. تاثیر متغیرهای حاکمیت شرکتی نظیر دوگانگی مدیرعامل، کمیته حسابرسی، نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره، ساختار مالکیت متمرکز، سرمایه گذاران نهادی و نسبت بدهی بر بازده دارایی ها بعنوان شاخص عملکرد مالی شرکت در بورس بحرین بررسی شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای دوگانگی وظیفه مدیرعامل، نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره و اهرم تاثیر منفی و کمیته حسابرسی و نسبت مالکیت نهادی تاثیر مثبت بر عملکرد مالی شرکت دارد.

گائو و کومارا (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار سریلانکا پرداختند. داده های ۱۷۴ شرکت در سال مالی ۲۰۱۰ انتخاب شد و از تجزیه و تحلیل رگرسیون برای بررسی تاثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت استفاده شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اندازه هیات مدیره و نسبت مدیران غیراجرایی در هیات مدیره رابطه منفی با ارزش شرکت دارند. نسبت مدیران غیراجرایی در هیات مدیره و عملکرد شرکت با یکدیگر رابطه منفی دارند. اندازه شرکت و سهامداران تاثیر معنادار و بااهمیتی بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار سریلانکا دارند.

دالر و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و حسابداری مدیریت در شرکت های خانوادگی در کشور استرالیا پرداختند. هدف از این پژوهش تجزیه و تحلیل تفاوت های موجود در ساختار حاکمیت شرکتی کسب و کارهای خانوادگی استرالیا، مدیران ارشد و هیات مدیره با توجه به عملکرد حسابداری مدیریت می باشد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که مالکیت شرکت های خانوادگی، مدیران ارشد و همچنین اعضای هیات مدیره شرکت ها، هیچ گونه گرایش مثبت یا منفی نسبت به حسابداری مدیریت عملیاتی و استراتژیک ندارند.

موسوی شیری و شاکری (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین استراتژی، حسابداری مدیریت استراتژیک و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. ارتباط بین استراتژی، سیستم های کنترلی مبتنی بر حسابداری مدیریت و عملکرد، توجه فراوانی را در پژوهش های حوزه حسابداری و مدیریت جلب کرده است. هدف اصلی این مطالعه ارزیابی این است که آیا انطباق حسابداری مدیریت استراتژیک و استراتژی، موجب بهبود عملکرد می گردد یا خیر. علاوه بر این، تاثیر حسابداری مدیریت استراتژیک و استراتژی نیز بر عملکرد مورد آزمون قرار می گیرد. نمونه نهایی این پژوهش دربرگیرنده ۴۱ شرکت پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج پژوهش نشان می دهد که بکارگیری استراتژی جويا و تکنیک های هزینه یابی (یک دسته از تکنیک های حسابداری مدیریت استراتژیک)، عملکرد را بهبود می بخشد.

وکیلی فرد و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین حسابداری مدیریت و نظام راهبری شرکتی پرداختند. برای کنترل نمایندگی مدیران در شرکت ها و اطمینان از ایفای مسئولیت و پاسخگویی شرکت ها و حمایت از حقوق سهامداران، باید ابزارهای قانونی و نظارتی برای مسئولیت پذیری و پاسخگویی شرکت ها ایجاد شود. از جمله این ابزارها طراحی و اجرای نظام راهبری شرکتی است که غایت آن دستیابی به ارتقای انصاف، شفافیت، پاسخگویی و رعایت حقوق ذینفعان در بنگاه اقتصادی است. در این مقاله، ابعاد مختلف تئوری نمایندگی در نظام راهبری شرکتی به چالش کشیده می شود و سپس تحلیل می شود که چگونه حسابداری مدیریت در قالب نظام راهبری شرکتی تعریف می شود. با این تفاسیر، تکنیک های حسابداری مدیریت استراتژیک را می توان به نحوی تعدیل کرد تا رویه های بهتر نظام راهبری شرکتی را نیز در خود جای دهند.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش رابطه میان شاخص های عملکرد مالی و درصد مالکیت سهامداران نهادی به عنوان ساز و کار حاکمیت شرکتی در

شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ آزمون شده است و برای بررسی روابط از آزمون رگرسیون، روش پنل دیتا استفاده شده است. شواهد تجربی به دست آمده حاکی از وجود ارتباط معناداری بین وجود سهامداران نهادی و شاخص های عملکرد مالی از جمله شاخص بازده فروش، شاخص بازده دارایی ها، شاخص سود عملیاتی به دارایی ها و بازده حقوق صاحبان سهام است.

قائمی و شهریاری (۱۳۸۸)، به بررسی نقش حاکمیت شرکتی در عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین ابعاد حاکمیت شرکتی شامل ترکیب هیأت مدیره ساختار مالکیت و افشای اطلاعات با عملکرد شرکتهای در بین ۷۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی سه ساله ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ می باشد. متغیر وابسته تحقیق عملکرد مالی شرکت می باشد که بر مبنای رشد درآمد، رشد سود مالیات، رشد سود خالص، بازده داراییها و بازده حقوق صاحبان سهام تعیین شده است. متغیرهای مستقل نیز شامل ترکیب هیأت مدیره، ساختار مالکیت و افشای اطلاعات می باشد و متغیرهای کنترلی تحقیق را اندازه و اهرم مالی شرکت تشکیل می دهند. یافته های تحقیق نشان می دهد که بین ترکیب هیأت مدیره و ساختار مالکیت با عملکرد رابطه معناداری وجود نداشته در حالیکه بین شفافیت اطلاعات و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های پژوهش

- ۱) سیستم حسابداری مدیریت بر عملکرد مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.
- ۲) رتبه حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

روش شناسی پژوهش

منظور از روش در تحقیق، ارائه مهارت ها و تجربه هایی است که دست یابی به هدف را آسان تر و عملی تر می سازد و با صرف وقت کمتر، نتایج بیشتری به دست می آید. این نکته، در کلیه روش ها مطرح است. یعنی هر کاری بر مبنای «روش» های برگرفته از تجربه ها و موفقیت ها انجام پذیرد، تضمین بیشتری برای بهره دهی آن خواهد بود و افراد «دارای روش» موفق ترند و مبتدیانی که با روش افراد موفق آشنا می شوند، زودتر به نتیجه می رسند. همانند سایر بحث ها در علوم انسانی، در مورد روش تحقیق نیز نظرات و دیدگاه های متفاوتی عنوان شده است. این تحقیق بر اساس هدف از نوع کاربردی و از نظر اجزاء، از نوع تحلیلی - توصیفی و مبتنی بر استراتژی همبستگی است که با استفاده از نمونه منطقی، سعی در تعمیم نتایج و یافته ها به کل جامعه آماری دارد، کاربردی است. توصیفی و از نوع پیمایشی و همبستگی است زیرا قصد دارد تا با استفاده از نظرات افراد نسبت به یکسری شاخص ها، روابط میان چند متغیر را در صحنه خاص محک بزند. در این تحقیق از آزمون F لیمر برای انتخاب بین مدل های اثرات مشترک و اثرات ثابت می باشد که در صورت انتخاب مدل اثرات ثابت، از آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل های اثرات ثابت و اثرات تصادفی استفاده می شود. همچنین خودهمبستگی جز اخلاص مدل، ناهمسانی واریانس و نرمال بودن داده ها بررسی خواهد شد. برای تبیین قدرت توضیح دهندگی متغیرهای توضیحی از ضریب تعیین تعدیل شده برای بررسی معنی داری متغیرها از آماره t و برای بررسی کفایت کلی مدل از آماره F فیشر استفاده خواهد شد. همچنین تحلیل های آماری با استفاده از نرم افزار ایویوز ۷ انجام خواهد شد.

جامعه و نمونه آماری

می توان گفت جامعه آماری این پژوهش را شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۹ لغایت ۱۳۹۴ دانست. از آنجا که به دلیل برخی ناهمگونی ها در بین شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، امکان بررسی تمامی آنها وجود ندارد، بنابراین در نمونه گیری از روش حذفی استفاده شد. به این ترتیب شرکتهایی در نمونه قرار گرفتند که تمامی شرایط زیر را به صورت همزمان دارا بودند:

۱. سهام شرکت طی دوره تحقیق در بورس اوراق بهادار تهران معامله شده باشد.
۲. پایان سال مالی شرکت، منطبق با ۲۹ اسفند ماه باشد.
۳. شرکت جزء شرکتهای سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، بانک و بیمه نباشد.
۴. اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد.

توجه به شرایط یاد شده، منجر به انتخاب ۸۱ شرکت به عنوان نمونه آماری از میان ۳۷۶ شرکت باقیمانده بر اساس روش حذف سیستماتیک برای آزمون فرضیه این پژوهش شد.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه گیری آن سیستم حسابداری مدیریت (متغیر مستقل)

حسابداری مدیریت یا حسابداری مدیریتی بر استفاده از اطلاعات حسابداری برای مدیران در سازمان ها، جهت مهیا کردن آنها برای تصمیم سازی کسب و کار آگاهانه تاکید دارد که به آنها اجازه می دهد تا کارکردهای کنترل و مدیریت شان را بهتر تجهیز نمایند (تیدریک، ۲۰۱۳). به منظور اندازه گیری این متغیر بر اساس تحقیق وانگ و لین (۲۰۱۴) چنانچه شرکت های مورد نمونه این تحقیق از هر یک روش های هزینه یابی حسابداری مدیریت همچون هزینه یابی بر مبنای فعالیت، هزینه یابی هدف و غیره به جز روش هزینه یابی سنتی را برای تعیین بهای تمام شده محصول خود به کارگرفته باشند عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر در نظر گرفته می شود (وانگ و لین، ۲۰۱۴).

رتبه حاکمیت شرکتی (متغیر تعدیل گر)

جایگاهی است که هر شرکت با توجه به شاخص حاکمیت شرکتی / رتبه (براساس مدل حاکمیت شرکتی، سلیمی - ۱۳۹۰) در بین شرکتهای بدست میآورد (یگانه و همکاران، ۱۳۹۱). جایگاهی است که هر شرکت با توجه به شاخص حاکمیت شرکتی / رتبه (بر اساس مدل حاکمیت شرکتی سلیمی، ۱۳۹۰) با توجه به چهار مولفه اثرات مالکیت، حقوق سهامداران، شفافیت و اثربخشی هیات مدیره در بین شرکت ها بدست می آورد (یگانه و همکاران، ۱۳۹۱).

عملکرد شرکت (متغیر وابسته)

عملکرد مالی شرکتهای متغیرهای مبتنی بر دادههای حسابداری یا بازار خواهد بود که شامل Q توبین، بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی ها است و هر یک در متغیرهای عملیاتی بیان شده است (برزگر، ۱۳۹۲). از معیار کیو توبین (ارزش دفتری دارایی ها / ارزش بازار سهام + ارزش دفتری بدهی ها) استفاده می شود (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۱).

اندازه شرکت (متغیر کنترلی)

در این تحقیق از لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی های شرکت برای اندازه گیری این متغیر استفاده می شود (یگانه، ۱۳۸۴).

اهرم مالی (متغیر کنترلی)

در این تحقیق از نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها برای اندازه گیری این متغیر استفاده می شود (معافی و همکاران، ۱۳۸۹).

رشد فروش (متغیر کنترلی)

در این تحقیق از نسبت (فروش سال جاری - فروش سال قبل) / فروش سال قبل برای اندازه گیری این متغیر استفاده می شود (یگانه، ۱۳۸۴).

یافته های پژوهش

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده و آزمون فرضیه ها از روش های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است که به منظور انجام تجزیه و تحلیل های آماری به نرم افزار ایویوز ۷ منتقل گردید.

تجزیه و تحلیل توصیفی

قبل از تجزیه و تحلیل داده ها باید قدم های مقدماتی مشخصی برداشته شود. یک محقق هنگامی که با توده ای از اطلاعات گردآوری شده برای تحقیق روبرو می شود، ابتدا باید آنها را به طریقی سازمان دهی و خلاصه کند تا نکات پنهان داده ها آشکار شده و در نگاه اول

ویژگی های مقدماتی آنها بر ملاء شود. یک محقق قبل از اینکه مستقیماً به سراغ آزمون های آماری برود، ابتدا به بررسی اکتشافی داده ها می پردازد تا بتواند با اطلاع از نحوه توزیع داده ها و سایر خصوصیات آنها که با محاسبه بعضی شاخص های آماری آشکار می شود، مسیر دولتی را برای رسیدن به نتیجه دنبال کند. تهیه جدول فراوانی، محاسبه شاخص های آماری و رسم نمودار در اغلب موارد برای توصیف داده ها امری ضروری است. با توجه به جدول ۱- کمترین مقدار سیستم حسابداری مدیریت برابر با یک و بیشترین مقدار سیستم حسابداری مدیریت برابر با یک و میانگین آن ۰,۶۲۳ می باشد. کمترین مقدار حاکمیت شرکتی برابر با ۷ و بیشترین مقدار حاکمیت شرکتی برابر با ۱۸۶ و میانگین آن ۵۳,۱۲ می باشد. کمترین مقدار عملکرد مالی برابر با ۰,۷۱۲- و بیشترین مقدار عملکرد مالی برابر با ۸,۲۹۶ و میانگین آن ۳,۱۷۴ می باشد. کمترین مقدار اندازه شرکت برابر با ۱۱,۰۰۵ و بیشترین مقدار اندازه شرکت برابر با ۱۶,۹۶۹ و میانگین آن ۱۳,۱۵۷ می باشد. کمترین مقدار اهرم مالی برابر با ۰,۲۲۵ و بیشترین مقدار اهرم مالی برابر با ۰,۸۱۴ و میانگین آن ۰,۵۵۹ می باشد. در نهایت، کمترین مقدار رشد فروش برابر با ۰,۵۶۲- و بیشترین مقدار رشد فروش برابر با ۰,۷۷۲ و میانگین آن ۰,۱۸۳ می باشد.

جدول ۱: آمار توصیفی داده ها

شاخص ها	سیستم حسابداری مدیریت	رتبه حاکمیت شرکتی	عملکرد مالی	اندازه شرکت	اهرم مالی	رشد فروش
حداقل	۰	۷	-۰,۷۱۲	۱۱,۰۰۵	۰,۲۲۵	-۰,۵۶۲
حداکثر	۱	۱۸۶	۸,۲۹۶	۱۶,۹۶۹	۰,۸۱۴	۰,۷۷۲
نمء	۰	-	-	-	-	-
میانگین	۰,۶۲۳	۵۳,۱۲	۳,۱۷۴	۱۳,۱۵۷	۰,۵۵۹	۰,۱۸۳
انحراف معیار	۰,۴۴۱	۳۸,۱۵	۴,۱۱۶	۱۳,۰۰۳	۰,۶۲۱	۰,۴۳۷

آزمون فرضیه ها و نتایج آن

فرضیه اول

فرضیه های آزمون فرضیه اول به صورت زیر می باشد :

فرضیه صفر : سیستم حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری ندارد.

فرضیه یک : سیستم حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

برای آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است :

$$QT_{it} = a_0 + a_1 MAS_{it} + a_2 FIRM\ SIZE_{it} + a_3 LEVERAGE_{it} + a_4 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

گام اول : پیش آزمون ها

نتایج مدل رگرسیونی، زمانی می تواند اعتبار داشته باشد که پیش فرض های بکارگیری آن برقرار باشد. یکی از این پیش فرض ها، آزمون ناهمسانی واریانس می باشد.

برای بررسی وجود ناهمسانی واریانس جملات اخلال آزمون آرج LM در تحقیق انجام شده است. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس آرج LM به شرح جدول زیر می باشد:

جدول ۲: نتایج آزمون ناهمسانی آرج LM مدل تحقیق

شرح	مقدار آماره	احتمال
F-statistic	۰,۵۱۴۲۲۶	۰,۰۹۶
Obs*R-squared	۱,۷۱۴۲۰۲	۰,۰۹۶

*سطح معناداری ۵ درصد

با توجه به جدول ۲- آماره F آزمون در سطح ۵ درصد معنادار نیست، بنابراین فرض همسانی واریانس تایید شده و ناهمسانی واریانس جملات اخلال رد می شود. آزمون بعدی پیش فرض ها، آزمون آزمون معنی دار بودن روش اثرات ثابت می باشد. در این روش، عرض از مبدأ برای هر یک از واحدها متفاوت است اما ضرایب شیب میان واحدهای مختلف ثابت است. این مدل، اثرات ثابت نامیده می شود. اصطلاح اثرات ثابت به این دلیل است که با وجود تفاوت عرض از مبدأ میان واحدهای مختلف، عرض از مبدأ طی زمان تغییر نمی کند. در مقابل، مدل اثرات تصادفی هنگامی یک الگوی مناسب به شمار می رود که تفاوت بین داده های مقطعی به صورت تصادفی باشد. باید توجه داشت در این حالت ممکن است واریانس های مربوط به مقاطع مختلف با هم یکسان نبوده و مدل مورد نظر دچار ناهمسانی واریانس باشد، که باید به جای روش OLS از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده کرد. در زیر نتایج آزمون معنی دار بودن روش اثرات ثابت آمده است:

جدول ۳: آزمون F لیمر و هاسمن

آزمون F لیمر			
شرح	مقدار آماره	درجه آزادی	احتمال
Cross-section F	۱,۶۱۲۳۳۲	۸۰	*۰,۰۰۲
Cross-section Chi-square	۹۸,۱۶۲۷۴۵	۸۰	*۰,۰۱۵
آزمون هاسمن			
شرح	مقدار آماره	درجه آزادی	احتمال
Cross-section F	۸,۰۳۲۲۵۴	۱۷	*۰,۰۰۰

* سطح خطای ۵ درصد

برای انتخاب یکی از روش های تلفیقی یا تابلویی از آماره F لیمر استفاده می شود. این آزمون مقایسه بین مجموع مربعات جملات خطا (RSS) در روش داده های تابلویی و تلفیقی می باشد. از آنجا که در روش داده های تلفیقی پارامترهای محدود کننده بیشتری (از قبیل ضرایب عرض از مبدأ در طول زمان و در بین داده های مقطعی ثابت در نظر گرفته می شود) وجود دارد؛ لذا انتظار بر این است که روش داده های تلفیقی نسبت به روش داده های تابلویی، RSS بیشتری داشته باشد. بنابراین اگر RSS روش حداقل مربعات معمولی (OLS)، با اضافه شدن محدودیت ها به طور معنی داری افزایش پیدا نکند بهتر است که از این روش استفاده شود. در غیر این صورت روش داده های تابلویی مناسب تر است. در این آزمون، مدل تلفیقی به عنوان مدل مقید و مدل اثرات تصادفی به عنوان مدل غیرمقید شناخته می شوند. لازم به ذکر است که آزمون فرضیه های تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ (خطای ۵٪) انجام می شود. با توجه به جدول ۳- نتایج دو آزمون انجام شده (F و هاسمن) در هر دو آزمون احتمال بدست آمده کمتر از ۵ درصد بوده و بنابراین باید در مدل رگرسیونی مربوطه از روش اثرات ثابت استفاده شود.

گام دوم: بررسی تایید و رد فرضیه اول

با توجه به جدول ۴- آماره دوربین- واتسون بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد، بنابراین بین خطاها همبستگی وجود نداشته و می توان از رگرسیون استفاده کرد. متغیر مستقل سیستم حسابداری مدیریت بر متغیر وابسته عملکرد با توجه به ضریب برآوردی ۰,۶۹۸، تاثیر مثبت و مستقیم دارد. اگر سیستم حسابداری مدیریت در شرکتی تقویت شود، عملکرد شرکت نیز افزایش خواهد یافت. این رابطه با توجه به سطح معناداری آماره t در سطح خطای ۵ درصد معنادار می باشد. بنابراین می توان گفت سیستم حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد. متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق نیز می توانند در حدود ۳۲,۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را پیش بینی نمایند و سطح معناداری آماره F نیز نشان می دهد که مدل تحقیق تحقیق در سطح خطای ۱ درصد معنادار می باشد. مدل تجربی تحقیق را می توان به صورت زیر نوشت:

$$QT_{it} = 0.414 + 0.698MAS_{it} + 2.218 FIRM\ SIZE_{it} + 0.641 LEVERAGE_{it} + 1.015GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول ۴: آزمون رگرسیون و معناداری مدل فرضیه اول

نام متغیر	ضرایب برآوردی	ضرایب انحراف برآورد	آماره t	سطح معناداری
ثابت	۰,۴۱۴	۰,۰۷۴	۵,۵۹۴	*۰,۰۱۶
سیستم حسابداری مدیریت	۰,۶۹۸	۰,۱۶۲	۴,۰۳۸	*۰,۰۲۷
اندازه شرکت	۲,۲۱۸	۰,۳۴۷	۶,۳۹۱	*۰,۰۰۵
اهرم مالی	۰,۶۴۱	۰,۱۸۴	۳,۸۴۳	*۰,۰۳۴
رشد فروش	۱,۰۱۵	۰,۲۳۴	۴,۳۳۷	*۰,۰۲۱
دوربین - واتسون				
آماره F				
سطح معناداری				
ضریب تعیین				
ضریب تعیین تعدیل شده				
۲,۰۰۱				
۱۱۶,۸۴۲				
**۰,۰۰۰				
۰,۳۷۷				
۰,۳۲۴				

* سطح خطای ۵ درصد، ** سطح خطای ۱ درصد

فرضیه دوم

فرضیه های آزمون فرضیه اول به صورت زیر می باشد :

فرضیه صفر : رتبه حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری ندارد.

فرضیه یک : رتبه حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

برای آزمون فرضیه دوم از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است :

$$QT_{it} = a_0 + a_1 MAS_{it} + a_2 CGI_{it} + a_3 MAS_{it} \times CGI_{it} + a_2 FIRM\ SIZE_{it} + a_3 LEVERAGE_{it} + a_4 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

گام اول : پیش آزمون ها

نتایج مدل رگرسیونی، زمانی می تواند اعتبار داشته باشد که پیش فرض های بکارگیری آن برقرار باشد. یکی از این پیش فرض ها، آزمون ناهمسانی واریانس می باشد. برای بررسی وجود ناهمسانی واریانس جملات اخلال آزمون آرج LM در تحقیق انجام شده است. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس آرج LM به شرح جدول زیر می باشد:

جدول ۵: نتایج آزمون ناهمسانی آرج LM مدل تحقیق

شرح	مقدار آماره	احتمال
F-statistic	۰,۳۸۱۵۱۱	۰,۱۵۱
Obs*R-squared	۲,۹۰۶۲۷۱	۰,۱۵۱

* سطح معناداری ۵ درصد

با توجه به جدول ۵- آماره F آزمون در سطح ۵ درصد معنادار نیست، بنابراین فرض همسانی واریانس تایید شده و ناهمسانی واریانس جملات اخلال رد می شود. آزمون بعدی پیش فرض ها، آزمون آزمون معنی دار بودن روش اثرات ثابت می باشد. در این روش، عرض از مبدأ برای هر یک از واحدها متفاوت است اما ضرایب شیب میان واحدهای مختلف ثابت است. این مدل، اثرات ثابت نامیده می شود. اصطلاح اثرات ثابت به این دلیل است که با وجود تفاوت عرض از مبدأ میان واحدهای مختلف، عرض از مبدأ طی زمان تغییر نمی کند. در مقابل، مدل اثرات تصادفی هنگامی یک الگوی مناسب به شمار می رود که تفاوت بین داده های مقطعی به صورت تصادفی باشد. باید توجه داشت در

این حالت ممکن است واریانس های مربوط به مقاطع مختلف با هم یکسان نبوده و مدل مورد نظر دچار ناهمسانی واریانس باشد، که باید به جای روش OLS از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده کرد. در زیر نتایج آزمون معنی دار بودن روش اثرات ثابت آمده است:

جدول ۶: آزمون F لیمر و هاسمن

آزمون F لیمر			
شرح	مقدار آماره	درجه آزادی	احتمال
Cross-section F	۱,۰۵۱۴۴۱	۸۰	*۰,۰۱۷
Cross-section Chi-square	۵۷,۱۶۳۲۵۷	۸۰	*۰,۰۲۶
آزمون هاسمن			
شرح	مقدار آماره	درجه آزادی	احتمال
Cross-section F	۵,۹۱۶۳۳۲	۱۷	*۰,۰۰۵

* سطح خطای ۵ درصد

برای انتخاب یکی از روش های تلفیقی یا تابلویی از آماره F لیمر استفاده می شود. این آزمون مقایسه بین مجموع مربعات جملات خطا (RSS) در روش داده های تابلویی و تلفیقی می باشد. از آنجا که در روش داده های تلفیقی پارامترهای محدود کننده بیشتری (از قبیل ضرایب عرض از مبدأ در طول زمان و در بین داده های مقطعی ثابت در نظر گرفته می شود) وجود دارد؛ لذا انتظار بر این است که روش داده های تلفیقی نسبت به روش داده های تابلویی، RSS بیشتری داشته باشد. بنابراین اگر RSS روش حداقل مربعات معمولی (OLS)، با اضافه شدن محدودیت ها به طور معنی داری افزایش پیدا نکند بهتر است که از این روش استفاده شود. در غیر این صورت روش داده های تابلویی مناسب تر است. در این آزمون، مدل تلفیقی به عنوان مدل مقید و مدل اثرات تصادفی به عنوان مدل غیر مقید شناخته می شوند. لازم به ذکر است که آزمون فرضیه های تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ (خطای ۵٪) انجام می شود. با توجه به جدول ۶- نتایج دو آزمون انجام شده (F و هاسمن) در هر دو آزمون احتمال بدست آمده کمتر از ۵ درصد بوده و بنابراین باید در مدل رگرسیونی مربوطه از روش اثرات ثابت استفاده شود.

گام دوم: بررسی تایید و رد فرضیه دوم

با توجه به جدول ۷- آماره دوربین-واتسون بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد، بنابراین بین خطاها همبستگی وجود نداشته و می توان از رگرسیون استفاده کرد. متغیر مستقل سیستم حسابداری مدیریت بر متغیر وابسته عملکرد با توجه به ضریب برآوردی ۲,۴۷۸، تاثیر مثبت و مستقیم دارد. اگر سیستم حسابداری مدیریت در شرکتی تقویت شود، عملکرد شرکت نیز افزایش خواهد یافت. با توجه به ضریب تاثیر متغیر تعدیل گر رتبه حاکمیت شرکتی، می توان بیان کرد که این متغیر بر رابطه بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد شرکتها تاثیر مثبت و مستقیم دارد. این رابطه با توجه به سطح معناداری آماره t در سطح خطای ۵ درصد معنادار می باشد. بنابراین می توان گفت رتبه حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد. متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق نیز می توانند در حدود ۴۶,۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را پیش بینی نمایند و سطح معناداری آماره F نیز نشان می دهد که مدل تحقیق تحقیق در سطح خطای ۱ درصد معنادار می باشد. مدل تجربی تحقیق را می توان به صورت زیر نوشت :

$$QT_{it} = 0.269 + 2.478 MAS_{it} + 0.662 CGI_{it} + 0.574 MAS_{it} \times CGI_{it} + 6.365 FIRM\ SIZE_{it} + 0.594 LEVERAGE_{it} + 0.747 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول ۷: آزمون رگرسیون و معناداری مدل فرضیه دوم

نام متغیر	ضرایب برآوردی	ضرایب انحراف برآورد	آماره t	سطح معناداری
ثابت	۰,۲۶۹	۰,۰۹۷	۲,۷۷۳	۰,۰۶۹
سیستم حسابداری مدیریت	۲,۴۷۸	۰,۴۲۱	۵,۸۸۷	*۰,۰۱۲
رتبه حاکمیت شرکتی	۰,۶۶۲	۰,۱۳۴	۴,۹۴۱	*۰,۰۳۶
رتبه حاکمیت شرکتی × سیستم حسابداری مدیریت	۰,۵۷۴	۰,۱۲۱	۴,۷۴۳	*۰,۰۳۹
اندازه شرکت	۶,۳۶۵	۰,۶۴۷	۹,۸۳۷	*۰,۰۰۰
اهرم مالی	۰,۵۹۴	۰,۱۶۳	۳,۶۶۴	*۰,۰۴۲
رشد فروش	۰,۷۴۷	۰,۱۷۴	۴,۲۹۳	*۰,۰۴۰
دوربین - واتسون		۱,۵۵۴		
آماره F		۹۷,۶۲۱		
سطح معناداری		*۰,۰۰۰		
ضریب تعیین		۰,۴۸۹		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۴۶۲		

* سطح خطای ۵ درصد، ** سطح خطای ۱ درصد

نتیجه گیری و بحث

نتیجه آزمون فرضیه اول نشان داد سیستم حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد. همچنین، نتیجه آزمون فرضیه دوم نشان داد رتبه حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد. از همین رو، مین وانگ و هاین (۲۰۱۴) به بررسی نقش حاکمیت شرکتی در رابطه بین سیستم حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که ساختار حاکمیت شرکتی نقش تعدیل گری و نظارتی در اثربخشی سیستم های حسابداری مدیریت پذیرفته شده در کسب و کار بر عملکرد شرکت ایفا می کند. نتایج پژوهش وو و فان (۲۰۱۳) نشان داد که حاکمیت شرکتی نظیر حضور اعضای مونث در هیات مدیره، دوجانگی وظیفه مدیر، تجربه کاری اعضای هیات مدیره و پاداش اعضای هیات مدیره تاثیر مثبت بر عملکرد شرکت که بوسله بازده دارایی ها اندازه گیری شده است دارد. حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۱)، به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. شواهد تجربی به دست آمده حاکی از وجود ارتباط معناداری بین وجود سهامداران نهادی و شاخص های عملکرد مالی از جمله شاخص بازده فروش، شاخص بازده دارایی ها، شاخص سود عملیاتی به دارایی ها و بازده حقوق صاحبان سهام است. و در مقابل، یافته های تحقیق قائمی و شهرپاری (۱۳۸۸) نشان داد که بین ترکیب هیأت مدیره و ساختار مالکیت با عملکرد رابطه معناداری وجود نداشته در حالیکه بین شفافیت اطلاعات و عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، هیچگونه رابطه معناداری بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت وجود ندارد. بنابراین شرکت هایی که به دنبال اجرای مکانیزم های حاکمیت شرکتی هستند و همزمان با آن از سیستم حسابداری مناسب با تولید شرکت بهره می برند، از یک سود رتبه حاکمیت شرکتی مناسبی را کسب خواهد کرد و از سوی دیگر، با تعیین دقیقی بهای تمام شده محصولات شرکت، عملکرد شرکت نیز بهبود خواهد یافت. بنابراین:

- ۱ - شرکت هایی که از یک سیستم حسابداری مدیریت مدون و مناسب استفاده نمی کنند، پیشنهاد می شود که به این کار اقدام نمایند چرا که یکی از پیامدهای مثبت این کار می تواند بهبود وضعیت عملکردی شرکت باشد.
- ۲ - شرکت هایی که از یک سیستم حسابداری مدیریت مناسب استفاده می کنند، تبعاً دارای عملکرد بهتری بوده و این امر می تواند در نگرش تصمیمات سرمایه گذاری سرمایه گذاران و سایر گروه های ذینفع، مفید بوده و با افزایش صف خرید به افزایش قیمت سهام شرکت منجر گردد.
- ۳ - سازمان های ذیربط با اقدام به تدوین استاندارد جامع در مورد ضروری سازی شرکت ها برای استفاده از یک سیستم حسابداری مناسب مرتبط با سیستم تولیدی شرکت نمایند و آنها را ملزم به افشای ابعاد سیستم بکار رفته در شرکت نمایند تا از این طریق بتوان با افزایش شفافیت، تصمیمات آگاهانه توسط افراد ذینفع اتخاذ گردد.
- ۴ - شرکت ها همچنین باید با انجام اقدامات لازم اقدام به ارتقای رتبه حاکمیت شرکتی خود نمایند، زیرا افزایش رتبه حاکمیت شرکتی می تواند بحث نظارتی مکانیزم های حاکمیت شرکتی را پر رنگتر ساخته و به اجرای سیستم حسابداری مناسب و بهبود عملکرد شرکت کمک شایانی نماید.

منابع و مراجع

- [۱] حجازی، رضوان و فتوحی، ندا. (۱۳۸۸). بررسی ارتباط همزمان بین استراتژی رقابتی سازمان، طرح سازمانی و سیستم حسابداری مدیریت با عملکرد سازمان. پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی. www.sid.ir
- [۲] حساس یگانه، یحیی؛ رئیسی، زهره و حسینی، سیدمجتبی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. انجمن علوم مدیریت ایران. دوره ۴. شماره ۱۳. صص ۷۵-۱۰۰
- [۳] حسینی، سید مجتبی. (۱۳۸۶). بررسی اثر میزان سهامداران نهادی به عنوان یکی از معیارهای حاکمیت شرکتی بر بازده سهامداران شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران
- [۴] جلالی فریز هندی، سیدحسین و شکبیا جمال آباد، غدیر. (۱۳۹۰). بررسی عوامل تاثیرگذار بر حسابداری مدیریت استراتژیک و ارتباط آن با بهبود عملکرد شرکت. دومین کنفرانس مدیریت اجرایی
- [۵] خدابخش، علی. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین نظام حاکمیت شرکتی و حسابداری مدیریت. اولین همایش ملی حسابداری و مدیریت.
- [۶] خدادادی، ولی و تاکر، رضا. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی. شماره ۱۵.
- [۷] رهبری خرازی، مهسا. (۱۳۸۴). مطالعه و شناخت وضعیت حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و مقایسه آن با کشورهای جهان. رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- [۸] قائمی، محمدحسین و شهریاری، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی نقش حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پیشرفت های حسابداری. دوره ۱. شماره ۱. صص ۱۱۳-۱۲۸
- [۹] قنبری، فرحناز. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- [۱۰] مرادی، مهدی و رستمی، امین. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین برخی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت ها پس از عرضه عمومی اولیه سهام در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه اقتصادی پولی و مالی. سال ۱۹. شماره ۴
- [۱۱] موسوی شیر، سید محمود و شاکری، ماهرخ. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین استراتژی، حسابداری مدیریت استراتژیک و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت. دوره ۷. شماره ۲۰. صص ۹۳-۱۰۷
- [۱۲] مهرانی، کاوه و صفرزاده، محمدحسین. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود. دانش حسابداری. دوره ۲. شماره ۷. صص ۶۹-۹۸
- [۱۳] نمازی، محمد. (۱۳۸۴). بررسی کاربردهای تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره ۲۲. شماره ۲
- [۱۴] وکیلی فرد، حمیدرضا؛ موسوی، سید احمد و سلیم، فرشاد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین حسابداری مدیریت و نظام راهبری شرکتی. مطالعات حسابداری و حسابرسی. شماره ۱۰.

- [15] Alnoor, B. (2009). Risk management, corporate governance and management accounting: emerging interdependence. Management accounting research. Vol 20, pp 2-5
- [16] Amba, S. (2013). Corporate governance and firm's financial performance. Journal of academic and business ethics. Available at www.ssrn.com
- [17] Christine, D, Birgit, F & Christine, M. (2011). Corporate governance and management accounting in family firms: does generarion matter. International journal of business research, vol 11. No 1
- [18] Donna, F, Mahler, H & Cihen, S. (2011). How to conduct effective pretests. AIDSCAP's behavior change communication (BBC) unit, USA
- [19] Duller, C, Feldbauer, B& Mitter, C. (2011). Corporate governance and management accounting in family firms: does generation matter? International journal of business research. Vol 11. No 1
- [20] Guo, Z& Kumara, U. (2012). Corporate governance and firm performance of listed firms in SriLanka. Social and behavioral science. No 40, pp 664-667

- [21] Huynh, Q& Lin, Y. (2013). Employing heckman two-step selection method to investigate effect of knowledge management adoption on firm performance. *International journal of business and management invention*, vol 2. No 3, pp 64-71
- [22] Mayanja, M. (2010). Management accounting as an instrument for corporate governance in Botswana. <http://hdl.handle.net/10500/4864>
- [23] MinWang, D&Huynh, Q. (2014). The role of corporate governance in the link between management accounting system and firm performance. *Asian journal of finance & accounting*, Vol 6. No 1
- [24] Ratnatunga, J&Alam, M. (2011). Strategic governance and management accounting: evidence from a case study. *Abacus*. Vol 47. No 3, pp 343-382
- [25] Sam, M, Hoshino, Y & Tahir, M. (2012). The adoption of computerized accounting system in small medium enterprises in Melaka, Malaysia. *International journal of business and management*, vol 7. No 18, pp 12-25
- [26] Schultz, A, Wu, A & Chow, C. (2010). Environmental uncertainty, comprehensive performance measurement systems, performance-based compensation and organizational performance. *Asia-Pacific journal of accounting and economics*, vol 17. No 1, pp 17-39
- [27] VO, D&Phan, T. (2013). Corporate governance and firm performance empirical evidence from Vietnam. Available at www.ssrn.com
- [28] Wan, Z. (2011). An analysis of task performance outcomes through E-A accounting in Malaysia. *Journal of public administration and governance*, vol 1. No 2, pp 124-139
- [29] Wang, D. (2010). Corporate investment, financing and dividend policies in the high-tech industry. *Journal of business research*, vol 63, pp 486-489
- [30] Wang, D & Hynh, Q. (2013). Effects of environmental uncertainty on computerized accounting system adoption and firm performance. *International journal of humanities and applied science*, vol 2. No 1, pp 13-21
- [31] Yulius, K. (2010). Usefulness of management accounting systems information and market competition on strategic business unit output. *Journal bisnis dan akuntansi*, vol 12. No 3, pp 145-160